

بحران سوریه: بررسی انگیزه‌ها، مواضع و آینده کردها

علی باقری دولت‌آبادی^۱ / سیروان رحیمی دهگلان^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. آقای علی باقری دولت‌آبادی، دانشیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه یاسوج abagheri@yu.ac.ir

۲. آقای سیروان رحیمی دهگلان، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۳/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۲/۱۸

چکیده

در بحران سوریه بازیگران فراملی و فراملی بسیاری ایفای نقش می‌کنند. یکی از این بازیگران، کردها هستند. در مورد موضع‌گیری احزاب کرد نسبت به این بحران باید گفت، احزاب کرد سوریه در دو سوی یک شکاف حرکت می‌کنند و آن، شکاف اعتقاد به برکناری اسد از قدرت است. گروهی از احزاب کرد با تأثیر پذیرفتن از حزب پارتنی کردستان عراق تأکید بر برکناری اسد از قدرت و گروهی دیگر با تأثیرپذیری از حزب کارگران کردستان ترکیه (پ.ک.ک) اعتقاد به ماندن اسد بر سر قدرت دارند. پژوهش حاضر به بررسی مواضع کردها در قبال دولت مرکزی پیش و پس از بروز بحران پرداخته و واکنش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به موضع‌گیری‌ها را بررسی می‌کند. فرض ما در این پژوهش این است که کردها در سوریه به دنبال ایجاد حکومتی خودمختار، همچون حکومت اقلیم کردستان عراق هستند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در میان کردهای سوریه (در سطح احزاب) شکافی ایدئولوژیک در مورد اعتقاد به سقوط بشار اسد وجود دارد و همچنین وضعیت کردها در سوریه و موضع‌گیری آنها برای جامعه جهانی مبهم است. لذا این ویژگی‌ها باعث موضع‌گیری‌های متفاوت هرکدام از بازیگران مؤثر در بحران در قبال کردها شده است. روش به‌کار رفته در این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از نظریه سازه‌نگاری است.

▪ واژگان کلیدی:

کردها، بحران سوریه، جنگ داخلی، خودمختاری، بازیگران منطقه‌ای

مقدمه

حدود چهار سال از آغاز بحران در سوریه می‌گذرد و همچنان آینده این کشور مبهم است. از آنجاکه موقعیت سوریه در منطقه، موقعیتی استراتژیک و تعیین‌کننده در معادلات قدرت است، لذا در این کشور علاوه بر نیروهای داخلی، نیروهای خارجی نیز دخالت داشته و هرکدام سعی در تغییر اوضاع به نفع خود دارند. این وضع بحرانی در سوریه مراحل مختلفی را پشت سر نهاده است و هرکدام از طرف‌های جنگ داخلی سوریه در برهه‌هایی از زمان دچار جرح و تعدیل‌هایی در مواضع خود شده‌اند. یکی از طرف‌های درگیر در بحران سوریه، گروه‌های مخالف دولت سوریه هستند که در ابتدا با هدفی واحد علیه حکومت وارد عمل شده بودند، پس از مدتی دچار انشعاب شدند و در حال حاضر هرکدام هدف خاص خود را دنبال می‌کنند. در بررسی علل این شکاف میان مخالفان حکومت مرکزی، پی بردن به مواضع کردها به‌عنوان یکی از نیروهای تعیین‌کننده عرصه سیاسی که شهرهای زیادی از مناطق کردنشین را نیز تحت تسلط خود دارند و از نظر نظامی نیز دارای نیروی کافی برای جنگ هستند، حائز اهمیت است. در تصمیم‌گیری جریان‌های کردی در مورد بحران سوریه متغیرهای گوناگونی مؤثر هستند که این متغیرها را می‌توان در دو دسته متغیرهای مادی و متغیرهای معنوی تقسیم‌بندی کرد. متغیرهای معنوی مؤثر بر تصمیم‌گیری جریان‌های کردی عبارتند از ایدئولوژی حزب کارگران کردستان ترکیه، ایدئولوژی احزاب کردی کردستان عراق به‌ویژه حزب پارتی، رؤیای تشکیل یک حکومت کردی و مبارزه مسلحانه به‌عنوان راهی برای دستیابی به آرمان خود؛ و متغیرهای مادی مؤثر بر این تصمیم‌گیری‌ها را می‌توان در مواردی چون بحران سوریه، شرایط اقتصادی - اجتماعی کردهای سوریه، موقعیت جغرافیایی این منطقه و نیز کنشگران خارجی خلاصه کرد. نکته‌ای که درباره پیشینه پژوهش باید به آن اشاره شود، تازگی و مسبوق‌به‌سابقه نبودن این مقاله است که بخش عمده این مسئله به عمر نسبتاً کوتاه بحران سوریه و نامعلوم بودن آینده آن برمی‌گردد. بسیاری از مطالبی که درباره بحران سوریه نوشته شده است نیز یا به‌صورت کلی

هستند که در آن کردستان سوریه به صورت جزء کوچکی از آنها ظاهر شده است و یا به زبان انگلیسی منتشر شده‌اند. از میان این تحقیقات می‌توان به مقاله «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها» نوشته نیاکویی و بهمنش (۱۳۹۱) اشاره کرد که بیشتر به مواضع کلی بازیگران منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای درباره بحران مذکور پرداخته است. پشنگ (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی احزاب کرد سوریه» صرفاً موضع‌گیری این احزاب نسبت به حکومت مرکزی و خواسته‌هایشان را بیان کرده است. در میان آثار منتشرشده به زبان انگلیسی که هیچ‌یک به فارسی برگردانده نشده است، دو اثر، برجسته‌تر به نظر می‌رسد. نخست «کردهای سوریه، احزاب سیاسی و هویت در خاورمیانه» نوشته هریت آلسوپ (Allsoop, 2014) که احزاب کرد سوریه و چگونگی بازسازی هویت کردی در خاورمیانه جدید را توضیح می‌دهد و دیگری کتاب «بررسی اوضاع تاریخی، سیاسی و اجتماعی کردستان سوریه» که روایتی جدید از تاریخ کردهای سوریه از ۱۹۲۰ تاکنون ارائه می‌نماید. لذا با توجه به نپرداختن به موضوع پژوهش حاضر در نوشته‌های فارسی، مقاله حاضر می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که انگیزه، مواضع و آینده کردها در بحران سوریه چیست؟ برای این منظور از نظریه سازه‌نگاری و روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

۱. چارچوب نظری: سازه‌نگاری

جدی‌ترین و مهم‌ترین نظریه‌ای که طی دو دهه اخیر در روابط بین‌الملل شکل گرفت و تأثیرات مهمی در حوزه نظری، فرانظری و تا حدی عمل برجای گذاشت، نظریه سازه‌نگاری است. این نظریه ابتدا توسط /ونف مطرح، و با نوشته‌های ونت شناخته و معروف شد. اینک سازه‌نگاری در کنار این دو نظریه‌پرداز با دیدگاه‌های جان راگی^۱، تدهاف^۲ و فردریک کرا/توچویل^۳ در سراسر جهان شناخته می‌شود. آنچه این نظریه را از سایر نظریه‌ها متمایز می‌کند، سه اصل هستی‌شناختی است که در مورد زندگی اجتماعی و تأثیر آن بر سیاست خارجی و روابط بین‌الملل ذکر می‌کند. سه اصل مذکور عبارتند از:

1. John Ruggie
2. Ted Hopf
3. Fredrich Kratochvil

الف- اهمیت ساختارهای هنجاری، ایده‌ای و فکری همانند ساختارهای مادی؛

ب- نقش هویت‌های اجتماعی در شکل‌گیری منافع و رفتار بازیگران؛

ج- برساخته شدن متقابل کارگزار و ساختار.

سازه‌انگاری برخلاف واقع‌گرایی، کنش‌های اجتماعی و سیاسی را صرفاً متأثر از ساختارهای مادی نمی‌داند، بلکه به نقش ساختارهای هنجاری و فکری و نظام‌های معنایی می‌پردازد و تعیین می‌کند که چگونه بازیگران، محیط مادی خود را تفسیر می‌کنند. از این منظر، واقعیت‌های بین‌الملل توسط آن دسته از ساختارهای معرفتی که به دنیای مادی معنا می‌دهند، شناخته می‌شوند و بازیگران نسبت به موضوع‌ها و بازیگران دیگر، براساس معنا و مفهومی که آن موضوعات برایشان دارند، عمل می‌کنند و از این‌رو، رفتار با دوست و دشمن متفاوت است (کرمی، ۱۳۸۳: ۱۶۲). طبق این نظریه هویت‌ها از پیش تعیین شده نیستند و نظام‌های معنایی نهادینه‌شده تعریف‌کننده هویت بازیگران هستند. طبیعی است که پس از تعیین هویت است که منافع بازیگران شکل می‌گیرد (قهرمان‌پور، ۱۳۸۳: ۳۰۶).

براساس نظریه سازه‌انگاری، هویت‌ها هم در سیاست بین‌الملل و هم جامعه داخلی برای تضمین دست‌کم برخی از سطوح قابلیت پیش‌بینی و نظم، ضروری هستند. انتظارات همیشگی در میان دولت‌ها نیاز به هویت‌های بین‌ذهنی دارد که به اندازه کافی باثبات باشند تا الگوهای رفتاری را قابل پیش‌بینی کنند. هویت‌ها سه کارکرد ضروری را در جامعه ایفا می‌کنند: «آنها به شما و دیگران می‌گویند که شما کی هستید و دیگران کی هستند. با گفتن اینکه شما کی هستید، هویت‌ها دربردارنده مجموعه خاصی از منافع یا ترجیحات با توجه به فرصت‌های اقدام در قلمروهای خاص و در ارتباط با بازیگران خاص می‌شوند» (Hopf, 1998: 173-174).

همان‌گونه که جان راگی تأکید می‌کند هویت‌ها برخاسته از عوامل فکری، ایده‌ها و هنجارها هستند؛ مواردی که با گذشت زمان تغییر می‌یابند (Reggie, 1998: 33) لذا هویت‌ها تغییر پیدا می‌کنند. هویت به معنای فهم‌های نسبتاً ثابت و مبتنی بر نقش خاص خود و انتظارات از دیگران است. بازیگران، منافع و هویت خود را از طریق مشارکت در معانی جمعی به دست می‌آورند؛ یعنی همان معناهایی که ساختارها را تعریف کرده و به

کنش‌های ما سازمان می‌دهند. هویت‌ها و منافع، اموری مرتبط هستند و هنگامی که ما موقعیت را تعریف می‌کنیم، آنها نیز تعریف می‌شوند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۲۱). یک دولت، دیگران را به موجب هویتی که به آنها اعطا می‌کند، شناسایی می‌کند. این درحالی است که هم‌زمان هویت خودش را از طریق رویه اجتماعی روزانه بازتولید می‌کند. اظهار عقیده قاطع در اینجا این است که سازنده هویت، کنترلی بر آنچه در نهایت برای دیگران معنا می‌دهد، ندارد.

دیدگاه سازه‌انگاری در مورد ساخته شدن هویت دولت‌ها در بحث بحران سوریه و مواضع کردها از آن رو مفید واقع می‌شود که از یک سو شاهد تلاش کردها برای ایجاد یک هویت مستقل - از شهروند دولت سوریه بودن- برای خود هستیم و از سوی دیگر، دولت سوریه و بازیگران فرامنطقه‌ای چنین هویتی را به رسمیت نشناخته و با آن مقابله می‌کنند و این طرز تلقی و نگاه‌ها منجر به ظهور منافع مختلف و متکثر در بین آنها شده است. براساس نظر ونت، کنشگران با قرار گرفتن در وضعیت و شرایط خاص، ملزم به بازتعریف منافع می‌شوند. به بیان دیگر، آنچه مردم می‌خواهند وابسته به این است که با «چه کسی» تعامل دارند، تا چه حد به دیگران وابسته هستند، در فرایند تعامل چه می‌آموزند و چگونه به اولویت و دعاوی خود نسبت به دیگران مشروعیت می‌بخشند. کنشگران بین‌المللی در درون ساختارهای معنایی عمل می‌کنند که تجسم هنجارهای خاصی هستند و کنشگرانی که درون آنها عمل می‌کنند، از طریق فرایند جامعه‌پذیری می‌آموزند که باید چه اولویت‌هایی داشته باشند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۸۰).

نکته مهم این است که بازیگران بین‌المللی به لحاظ میزان قدرت در یک سطح نیستند و در اینجا نیز این هنجارها و قواعد تحمیلی از سوی بازیگران فرامنطقه‌ای و در رأس آنها آمریکا است که آینده کردها را رقم می‌زند، زیرا محیط بین‌المللی که دولت‌ها در آن عمل می‌کنند، بیش از آنکه مادی باشد، فرهنگی و نهادی است و در روند تعامل دولت‌ها ساخته شده و بازسازی می‌شود. محیط فرهنگی و نهادی غالباً توسط دولت‌های بزرگ شکل می‌گیرد. جالب این است که این محیط فرهنگی و نهادی، بیشتر از آنکه بر رفتار دولت‌ها تأثیر بگذارد، بر تعریفی که آنها از خود دارند، اثرگذار است (کرمی، ۱۳۸۳: ۱۷۰). درحقیقت تعریفی که کردها از شهروندی و آینده روابط خود با جهان عرضه می‌کنند، بر منافع آتی

آنها تأثیر دارد. در این میان، تحولاتی همچون انقلاب ارتباطی و اطلاعاتی نیز بر این فرایند تأثیر می‌گذارد. این فرایند، برای نتیجه‌بخش بودن، در چهار مرحله صورت می‌گیرد:

۱. تضعیف اجماع درباره تعهدات هویت: مثلاً در سوریه تعهد سوری بودن نزد کردها در حال فروری است؛

۲. بررسی انتقادی ایده‌ها و برداشت‌های قدیمی درباره خود و دیگری: کردهای سوریه تمام ایده‌های عرضه‌شده از سوی دولت بشار اسد را رد کرده و آن را نسبت به سقف خواسته‌های خود در حداقل ممکن ارزیابی می‌کنند؛

۳. برای تحول خود، اغلب ضروری است که هویت و منافع دیگران را تغییر دهیم. کردها تلاش می‌کنند خود را از عرب‌ها متمایز کرده و از درگیری‌های عرب - اسرائیلی دور نگه دارند. به این ترتیب منافع آنها تا حد زیادی به اسرائیل، آمریکا و کشورهای اروپایی نزدیک‌تر خواهد شد؛

۴. پاداش دادن به طرف مقابل که باعث می‌شود کنشگر خودخواه به سمت همکاری گرایش پیدا کند (Wendt, 1992: 15). بخشی از کردها می‌کوشند با اتخاذ موضع بی‌طرفی و گاه نزدیک به دولت سوریه این دولت را نسبت به تأمین خواسته خودمختاری خود مجاب و تشویق کنند. آنان خطر خود برای سوریه را بسیار کمتر از خطر داعش معرفی می‌کنند.

به این ترتیب به موجب نظریه سازه‌نگاری باید گفت کردهای سوریه و دولت بشار اسد هر دو در مسیر تغییر هویت خویش قرار گرفته‌اند. هر دو می‌کوشند منافع جدیدی برای خود تعریف و در عرصه پرتلاطم نظام بین‌الملل مزیت‌های بیشتری کسب کنند. اینکه تا چه حد در دستیابی به این هدف موفق خواهند بود، پرسشی است که تحولات آینده و سیاست‌هایی که هر دو طرف اتخاذ خواهند نمود، مشخص خواهد کرد. در ادامه براساس منطق سازه‌نگاری ذیل واژه کارگزار، احزاب کردی معرفی شده و رابطه آنها با دولت مرکزی تشریح می‌شود و سپس به بررسی ساختار یا نقش بازیگران فرامنطقه‌ای در بحران سوریه خواهیم پرداخت.

۲. عامل کارگزار: کردهای سوریه

تاریخ و پیشینه کشور سوریه و منطقه خاورمیانه بر ادراک و پیش‌زمینه فکری دولت سوریه از جامعه کرد تأثیر گذاشته‌اند. به بیان سازه‌انگاران، ایده‌ها، ذهنیت‌ها، تصورات و ساختارهای معنایی، در تعریفی که دولت‌ها از خود ارائه می‌دهند نقش مهمی دارد. لذا برای درک سیاست دولت در مورد کردها و خواسته‌های آنها و فعالیت‌های انجام‌شده در سوریه، شناخت ابعاد مختلف مسئله کردها می‌تواند موضوع را هرچه بیشتر روشن کند. در این میان جمعیت، منطقه سکونت، دین و مذهب و شرایط اقتصادی و اجتماعی چند بعد مهم مسئله کردها در سوریه را پوشش می‌دهند که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم.

۲-۱. جمعیت و محل سکونت کردها

جمعیت کردها بین ۸/۵ تا ۱۰ درصد جمعیت کل سوریه یا حدود ۱/۵ تا ۲ میلیون نفر تخمین زده می‌شود (McDowall, 2000). مناطق سکونت کردها در سوریه در چند منطقه اصلی این کشور تقسیم‌بندی می‌شود که عبارتند از کردداغ، کوبانی، حسکه و دمشق. کردداغ یکی از متراکم‌ترین مناطق جمعیتی سوریه است و اکثر جمعیت آن کرد هستند (Cherif Vanly, 1992: 148). کردهای زیادی به‌منظور فرار از سرکوب و بیدادگری‌های نیروهای کمال آتاتورک در دهه ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ از ترکیه به سوریه گریخته و عمدتاً در حسکه ساکن شدند. دولت سوریه نیز با استفاده از این امر، استدلال می‌کند که همه کردهای سوریه ترکیه‌ای هستند که به سوریه مهاجرت کرده‌اند؛ درحالی‌که پیش از آن تا اواخر قرن نوزدهم بسیاری از عشایر کرد، اسکان یافته و در این منطقه مشغول زراعت بوده‌اند. دمشق نیز یکی دیگر از مناطقی است که حضور کردها در آن به زمان صلاح‌الدین ایوبی برمی‌گردد که به این منطقه رفته و مشغول زراعت شده‌اند و هنوز هم در این شهر به‌صورت پراکنده حضور دارند (McDowall, 2000: 466). براساس منطق سازه‌انگاری از آنجا که دولت بشار اسد کردها را به‌چشم مهاجر و نه شهروند بومی و اصیل این کشور می‌نگرد، نه تنها حاضر به اعطای خودمختاری به این گروه و تعریف هویت جدید برای آنها نیست، بلکه حتی تا همین اواخر حاضر به پذیرش آنها به‌عنوان شهروند سوری و اعطای

هویت سوریه‌ای به آنها نبود. این تعریف متفاوت از هویت کردها، دقیقاً نقطه‌ای است که آنها را در مقابل دولت قرار می‌دهد و منافع متمایزی برایشان مشخص می‌کند.

۲-۲. دین و مذهب

در سوریه اکثریت کردها مسلمان سنی‌مذهب هستند، هرچند تعدادی از جمعیت کردهای سوریه اخیراً اعتقاد سنتی اهل سنت، مبنی بر مسلمان بودن کردها را رد کرده و به دین زرتشت، یعنی دین باستانی‌شان گرایش پیدا کرده‌اند. در منطقه کردداغ نیز گروه‌های قابل توجهی از کردهای یزیدی^(۱) حضور دارند که جمعیت آنها حدود ۱۰۰۰۰ نفر است. تمایز در دین و مذهب با ساختار رسمی کشور سوریه از نقاط دیگری است که کردها را تشویق به تعریف هویتی متمایز از سایر شهروندان سوری کرده است. این مسئله به‌ویژه در میان یزیدی‌ها که از سوی دیگران از نظر اعتقادی نوعی فرقه خودساخته و تلفیقی محسوب می‌شوند، جدی‌تر است.

۲-۳. شرایط اقتصادی و اجتماعی

از نظر اقتصادی مناطق کردنشین به‌تنهایی ۴۵ درصد از کل تولیدات کشاورزی سوریه را تأمین می‌کنند. این امر به این دلیل است که این بخش‌ها از منابع عظیم آب برخوردار هستند و شامل ۱۰ سد بزرگ با مجموع گنجایش ۳۰۰ میلیون مترمکعب آب و هشت رودخانه می‌باشند که یکی از آنها رود فرات است (گلی، ۱۳۹۲). از نظر اجتماعی زندگی برای کردها در سوریه وابسته به کارت‌های شناسایی و هویت است. مسافرت بین استان‌ها، کسب مشاغل دولتی، درخواست استفاده از مزایای کشوری و بسیاری از موارد دیگر، نیازمند بهره‌مندی از کارت شناسایی است و با توجه به اینکه جمعیت زیادی از کردها هنوز شناسنامه ندارند و تحت آپارتاید حکومت مرکزی هستند، در انجام این امور اجتماعی با مشکل روبرو می‌شوند. درحقیقت تمام دولت‌هایی که در طول چهل سال اخیر بر سر کار آمده‌اند، در انجام هرگونه اقدامی برای حل مشکلات مناطق کردنشین کوتاهی کرده‌اند (Human Rights Watch, 1996). همین امر باعث شده است که کردها به تدریج از اینکه

خود را سوریه‌ای بدانند دوری جسته و درصدد تحقق آرمان دولت کردستان برآیند. در واقع نه دولت سوریه حاضر است با بهبود شرایط اقتصادی کردها آنها را در درون خود هضم کند و نه کردها امیدی به بهبود وضعیت زندگی خویش دارند. در چنین فضایی شکاف در درون ساختار جامعه در حال عمیق‌تر شدن است. سازه‌انگاران شرایط اقتصادی و اجتماعی را به‌عنوان یکی از ساختارهای مادی تأثیرگذار بر رفتار دولت‌ها در نظر می‌گیرند و معتقدند نقش مهمی در تعریف افراد از هویت و منافع خود بازی می‌کند.

۳. رابطه کردها و حکومت مرکزی

در دوران جمهوری متحده عربی، اجرای سیاست اصلاحات ارضی از سوی ناصر به‌طور مستقیم بر زندگی کردهای سوریه تأثیرگذار بود؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از کردها را در مناطق کردنشین بدون زمین کرد. طرح اصلاحات ارضی در سوریه در زمان حاکمیت حزب بعث از سوی حافظ اسد دنبال شد و حتی تا مرحله ایجاد یک کمربند عربی در مرزهای سوریه پیش رفت (Human Rights Watc, 1996: 13). سیاست ایجاد یک کمربند عربی در مرزهای سوریه باعث کوچ اجباری جمعیت زیادی از کردها از مناطق کردنشین هم‌مرز با ترکیه و عراق شد. حکومت مرکزی به‌منظور جلب نظر روستانشینان عرب برای کوچ به مناطق کردنشین حتی به احداث روستاهای جدید با امکاناتی همچون لوله‌کشی‌های آب، اعطای وام به کشاورزان و سایر امکانات رفاهی اقدام کرد. نشانه‌های این سیاست را امروزه در حضور کردها در مناطق مرکزی سوریه که عرب‌نشین هستند، به‌وضوح می‌توان دید. (Vanly, 1992: 162). اما این سیاست عربی کردن مناطق کردنشین با اعتراض‌هایی همراه شد به‌گونه‌ای که در روستاهایی که ساکنانش عرب و کرد بودند، مردم با همدیگر درگیر شدند. یکی دیگر از سیاست‌های حافظ اسد در دوران زمامداری‌اش بر سوریه، ندادن شناسنامه به جمعیت زیادی از کردها در سوریه بود؛ به‌گونه‌ای که این جمعیت از کردها به‌دلیل نداشتن شناسنامه از ابتدایی‌ترین امکانات زندگی بی‌بهره بودند. به‌عبارتی آنها هیچ هویتی نداشتند و علقه‌ای بین آنها و دولت مرکزی وجود نداشت. پس از حافظ اسد، میراث وی به پسرش بشار اسد منتقل شد. وی پس از نشستن بر کرسی ریاست‌جمهوری سوریه در

نخستین سخنرانی خود از اصلاحاتی در کشور خبر داد. به دنبال انجام یک سری اصلاحات از سوی وی بسیاری از کانون‌های حقوق بشری فعال شدند. انجمن فرهنگی جلادت بدرخان که یک انجمن کردی در قامشلی بود، یکی از آنها بود. صدها زندانی تا ماه مه ۲۰۰۱ از زندان آزاد شدند، اما در اواسط سال ۲۰۰۱ بشار اسد نسبت به فعالیت‌های انجام شده واکنش نشان داد؛ به گونه‌ای که در مارس ۲۰۰۱ انجمن فرهنگی بدرخان، تعطیل و بسیاری از اعضای آن دستگیر شدند. در ادامه سیاست‌های سرکوبگرانه بشار اسد نسبت به کردها در ۱۲ مارس ۲۰۰۴ در یک مسابقه فوتبال که میان یک تیم کرد و یک تیم عرب برگزار شد، مسابقه فوتبال به درگیری میان هواداران دو تیم و شعارهای سیاسی کشانده شد و در نهایت ۷ نفر کشته شدند (Yildiz, 2005: 47).

این شرایط باعث شد کردهایی که خود را در ساختارهای مادی (اقتصاد و اجتماع) و معنایی (دین، مذهب، زبان) سوریه سهیم نمی‌دانستند، با بروز نخستین جرقه‌های اعتراض داخلی در سوریه در سال ۲۰۱۱ وارد فرایند هویت‌خواهی شوند. اما با وجود آرزوی قلبی برای دستیابی به هویت مستقل کردی ذیل دولت خودمختار، ترس از ناکامی در این راه و از دست دادن حداقل‌های ممکن موجب شد تا همه احزاب کردی موضع یکسانی نسبت به دولت مرکزی اتخاذ نکنند. این مسئله صحنه سیاسی و مبارزه در سوریه را پیچیده‌تر کرده است. برای شفاف شدن وضعیت احزاب کرد سوریه، در ادامه این احزاب به همراه مواضعی که نسبت به دولت بشار اسد اتخاذ کرده‌اند، بیان شده است.

۴. احزاب کردی و تحولات سوریه

حدود پنج سال از شروع درگیری‌ها در سوریه می‌گذرد؛ بحرانی که ابتدا از جنوب سوریه شروع شد، ولی به سرعت به بقیه مناطق سوریه نیز سرایت کرد. در این میان کردها که در شمال سوریه ساکن هستند نیز از این بحران به‌دور نمانده و وارد بحران شدند. دو مسئله بر موضع‌گیری کردها نسبت به تحولات سیاسی سوریه تأثیرگذار بوده است؛ نخست، تأثیرپذیری از جریان‌های موجود در عراق (حزب پارتنی و حزب اتحادیه میهنی) و ترکیه (با محوریت پ.ک.ک) (پشنگ، ۱۳۹۱) و دیگری اتحاد و ائتلاف‌های بسیار گذرا و شکننده در

میان احزاب کرد، و حضور و دخالت بازیگران مختلف داخلی و خارجی (منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای). برآیند این تأثیر، ایجاد تکثر و تنوع در احزاب کردی و نیز ایجاد دست‌کم ۲۰ حزب در کردستان سوریه بوده است (Al-Jazeera Centre for Studies, 2013: 3). در همین راستا در ادامه احزاب کردی موجود در سوریه را در قالب مخالفان و موافقان سقوط بشار اسد مورد تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد.

۱-۴. احزاب موافق سقوط بشار اسد

احزاب موافق سقوط بشار اسد، بیشتر متأثر از حکومت اقلیم کردستان عراق می‌باشند. مسعود بارزانی، رهبر اقلیم کردستان عراق، سعی دارد با استفاده از شرایط موجود در کردستان سوریه تبدیل به یک بازیگر منطقه‌ای قدرتمند شود و در راستای این تلاش‌ها تاکنون چندین جلسه میان رهبران کرد سوری تشکیل داده است؛ به‌نحوی که سرانجام گروه‌های مختلف کرد سوری در ۲۱ تیر ۱۳۹۱ موافقت کردند تحت یک نام و با عنوان شورای عالی کردهای سوریه به اقدامات و فعالیت‌های خود انسجام بخشند. این شورا از دو جریان عمده و اصلی، یعنی شورای ملی کردهای سوری و شورای ملی غرب کردستان تشکیل شده است.

۱-۴-۱. حزب دموکرات کردستان سوریه (۱۹۵۷)

حزب دموکرات کردستان سوریه در اواخر دهه ۱۹۵۰ توسط عثمان صبری تأسیس شد. حزب یادشده، در دهه ۱۹۶۰ با تأثیرپذیری از کردستان عراق تحت حمایت جنبش ملامصطفی بارزانی قرار داشت. این حزب به‌دلیل چنددستگی میان رهبران در سال ۱۹۹۸ به دو شاخه طرفداران عبدالکریم بشار و طرفداران نصرالدین ابراهیم تقسیم شد. شاخه نخست، نشریه‌ای با نام «صدای کردها» را منتشر کرد و جناح دوم حزب نیز نشریه‌ای با نام «صدای کورد (دهنگی کورد)» را به‌صورت نامنظم منتشر می‌کند. از دیگر چهره‌های سرشناس این حزب می‌توان به بهزاد دورسون و نزال سلیم اشاره کرد. در حال حاضر مواضع حزب پارتی و زیرشاخه‌های آن تحت تأثیر سیاست‌های چیده‌شده در اربیل با محوریت مسعود بارزانی است و در قبال بحران سوریه همانند معارضان سوریه خواهان سقوط دمشق است (hevia, 2013).

۲-۱-۴. حزب دموکرات پیشرو کرد (۱۹۶۵)

حزب دموکراتیک پیشرو کرد که نام اصلی آن «الدموقراطی التقدمی الکردی» است، با جدا شدن از حزب دموکرات سوریه در سال ۱۹۶۵ تأسیس شده است و در میان احزاب کردی سوریه جزء قدیمی‌ترین احزاب است^(۲). این حزب از نظر ایدئولوژیک تفاوتی با حزب دموکراتیک ندارد، بلکه علت تشکیل آن بیشتر به اختلاف نظر بر سر رهبری حزب برمی‌گردد. دبیرکلی حزب دموکرات پیشرو را عبد/حمید درویش به‌عهدده دارد که مدت ۴۹ سال ریاست آن را عهده‌دار بوده است. موضع این حزب نیز از نظر سیاسی نزدیک به جریان تحت رهبری حزب پارتی است. دیدگاه‌های این حزب را این‌گونه می‌توان خلاصه کرد: ایجاد ساختاری غیرمتمرکز در سوریه، به رسمیت شناخته شدن حقوق سیاسی و فرهنگی کردها در قانون اساسی، جلوگیری از مداخله خارجی در سوریه و تشکیل دولت جدید سوریه از میان همه گروه‌ها^(۳)

۳-۱-۴. حزب اتحادیه خلق کرد سوریه

حزب اتحادیه خلق کرد سوریه یکی دیگر از احزاب قدیمی در کردستان سوریه است. این حزب در اوت ۱۹۸۰ توسط صلاح صدرالدین^۱ تأسیس شد و در حال حاضر رهبری آن به‌عهدده داوود محمد رشید، استاد حقوق در دانشگاه صلاح‌الدین اربیل و ریحان رمضان، مقیم اتریش و مدیر انجمن فرهنگی کرد کاوه است. این حزب در سال ۲۰۰۹ ائتلافی با دو حزب «چپ کرد» و «آزادی» تشکیل داد که این ائتلاف تنها چند ماه دوام آورد. این حزب نیز از احزاب نزدیک به حزب پارتی است و موضعش در قبال سوریه، همان موضع حزب پارتی است.^(۴)

۴-۱-۴. حزب وحدت دموکراتیک کرد (۱۹۹۳)

حزب وحدت دموکراتیک کرد، یکی دیگر از احزاب کرد سوریه است که رهبری آن به‌عهدده محی‌الدین یثنی عالی^۲ است. این حزب که نشریه رسمی آن «الوحده» نام دارد، از نظر تأثیرگذاری و نفوذ، حزب برجسته‌ای محسوب نمی‌شود. حزب وحدت دموکراتیک کرد

1. Salah Saderden
2. Maheadin Yasna Ali

در قبال بحران سوریه، خواهان سقوط دولت بشار اسد و ارتباط مشخص و محافظه‌کارانه با شورای مخالفان سوریه است.^(۵)

۴-۱-۵. حزب چپ کرد (۱۹۹۶)

حزب چپ کرد یکی دیگر از احزاب تشکیل‌شده در دهه ۱۹۹۰ است که دارای گرایش‌های سوسیالیستی و مارکسیستی بوده و دبیرکل آن صالح گدو^۱ است. این حزب دارای ارتباط دوستانه‌ای با احزاب چپ کرد در عراق است و از آنجاکه جلال طالبانی، رهبر اتحادیه میهنی کردستان عراق، دارای روابط دوستانه‌ای با دولت دمشق و نیز دارای نفوذ در حزب چپ کرد است، این حزب گرایش‌های میانه‌روانه‌ای را در قبال بحران سوریه درپیش گرفته است. خواسته اصلی سیاسی این حزب، شرکت در ساختار قدرت آینده کردستان سوریه همراه با تمام احزاب دیگر است (مرادی، ۱۳۹۲).

۴-۱-۶. حزب اتحاد کردهای سوریه (۱۹۹۹)

حزب اتحاد کردهای سوریه، یکی دیگر از جریان‌های حزبی کردی موجود در سوریه است که در سال ۱۹۹۹ تأسیس شد و دبیرکلی آن به‌عهده اسماعیل محمد^۲ است. این حزب خواهان انسجام و وحدت کامل نیروهای نظامی کرد و تغییر نظام سیاسی در سوریه است (مرادی، ۱۳۹۲).

۴-۱-۷. حزب الايراد الشعبیه (۲۰۰۰)

حزب الايراد الشعبیه که با نام اتحادیه شناخته می‌شود، در مارس ۲۰۰۰ تشکیل شد. طرفداران این حزب، خواهان تشکیل فدرالیسم و شکل‌گیری نوعی خودمختاری مانند نمونه کردهای عراق در شمال سوریه هستند. رهبران این حزب عبارتند از فؤاد رشاد الیکو، حسن صالح و حمدالله ابراهیم. این حزب مخالف دخالت‌های ترکیه در سوریه و حضور عناصر سلفی و القاعده در این کشور است. همچنین نشریه‌ای با نام «اتحادیه» به زبان عربی منتشر می‌کند که مواضعش درباره ضرورت سقوط بشار اسد به تفصیل در آن آمده است.^(۶)

1. Saleh Gado
2. Esmael Mohammad

۸-۱-۴. حزب آزاد کرد سوریه (۲۰۰۵)

حزب آزاد کرد سوریه با ادغام دو حزب چپ کرد و اتحادیه خلق کرد سوریه در سال ۲۰۰۵ تشکیل شد، اما این ائتلاف چند ماه بیشتر طول نکشید و اتحادیه خلق کرد سوریه از ائتلاف خارج شد. دبیرکل این حزب، مصطفی/اوسی جمعه است که ساکن نروژ می‌باشد و رابطه نزدیکی با ترکیه نیز دارد و نشریه «آزادی»، ارگان رسمی حزب محسوب می‌شود. در کل این حزب مواضعی نزدیک به حزب پارتی دارد و خواهان تغییر نظام سوریه است (Erkmen, 2012: 127).

۹-۱-۴. حزب برابری دموکراتیک کرد سوریه (۲۰۰۸)

حزب برابری دموکراتیک کرد سوریه تقریباً حزبی نوپا است. دبیرکلی حزب را عزیز داوود برعهده دارد. وی عضو سابق اجرایی حزب دموکراتیک پیشرو کرد است که بر اثر اختلاف بر سر کسب رهبری حزب، از این حزب جدا شد و حزب برابری دموکراتیک را تأسیس کرد؛ لذا می‌توان این حزب را انشعابی از حزب دموکراتیک پیشرو کرد سوریه قلمداد کرد. بین این حزب و احزاب دیگر تفاوت عمده سازمانی و ایدئولوژیک وجود دارد. این حزب در حال حاضر عضو جنبش میهنی کردستان و شورای ملی کرد سوریه است. این حزب نیز در کنفرانس اربیل حضور داشت و خواهان تغییر نظام سیاسی در سوریه است.^(۷)

۱۰-۱-۴. سازمان اتحادیه ملی آزاد (۲۰۰۸)

این سازمان به رهبری عبدالفتاح دهیر، گسترده‌گی و نفوذ چندانی در شمال سوریه ندارد و بیشتر تحت تأثیر تصمیمات حزب پارتی است که این امر نشانگر آن است که حزب مذکور خواهان تغییر نظام سیاسی در سوریه است و همکاری محتاطانه و مشروطی با اپوزیسیون سوریه دارد.^(۸)

۱۱-۱-۴. حرکت بدیل کردی سوریه (۲۰۰۹)

جریان مذکور نیز عمدتاً از سوی چند حزب کوچک گرد سوری، با محوریت جنبش «آینده گرد سوریه»، از دسامبر ۲۰۰۹ اعلام موجودیت کرده است. این جریان در میان گروه‌های حال حاضر گرد سوری دارای وزن چندانی نیست و زیرمجموعه جریان تحت رهبری پارتی محسوب می‌شود (پشنگ، ۱۳۹۱).

۱۲-۱-۴. جنبش تصحیح جوانان آگاه کرد سوریه (۲۰۱۲)

این جنبش، تازه‌تأسیس است و پیش از این، شاخه جوانان حزب اتحاد دموکراتیک کرد سوریه محسوب می‌شد که به دلیل اعتراض به عملکرد رهبران حزب، در سال ۲۰۱۲ از آن جدا شده است. گروه اخیر دارای موضعی نزدیک به حزب پارتنی و حزب آزاد کردهای سوریه است. لذا موضع این گروه کوچک از جوانان کرد سوریه نزدیک به استراتژی‌های اتخاذشده در اربیل است.^(۸)

۱۳-۱-۴. جنبش دموکراتیک راستین کرد سوریه (۲۰۱۲)

این حزب آخرین حزب کردی سوریه است که در پاییز ۱۳۹۱ تشکیل شده است. سخنگوی حزب مذکور بافی ریکار نام دارد و درباره مواضع حزب متبوعش اعلام کرده است که خود را پیرو ملامصطفی بارزانی، رهبر پیشین جنبش کردهای عراق می‌داند و از سایر احزاب و گروه‌های کرد سوریه خواسته است تا اختلاف رأی را کنار بگذارند و در سایه یک اتحاد جمعی، به وحدت رویه دست یابند. سخنگوی این حزب جدید، هدف از تأسیس آن را تلاش برای اتحاد احزاب کرد سوریه توصیف کرده و شعار حق تعیین سرنوشت را برای حل و فصل مسئله کردهای سوریه در برنامه کار خود گنجانده است؛ به همین دلیل می‌توان حزب مذکور را نزدیک به حزب پارتنی و دیدگاه‌های مسعود بارزانی در مورد شمال سوریه ارزیابی کرد که به موازات ترکیه، خواهان سرنوشتی دولت دمشق و دستیابی کردهای سوریه به حقوق خود هستند (پشنگ، ۱۳۹۱).

۲-۴. مخالفان سقوط بشار اسد

۱-۲-۴. حزب اتحاد دموکراتیک

از لحاظ تأثیرگذاری، این حزب مهم‌ترین حزب حال حاضر در شمال سوریه محسوب می‌شود، زیرا از نظر تعداد نیروها و سازمان‌دهی و همچنین از نظر کنترل بر تعداد زیادی از شهرهای کردنشین بر همه احزاب برتری دارد. سابقه تأسیس این حزب نیز به سال ۲۰۰۳ برمی‌گردد؛ زمانی که پ.ک.ک تصمیم گرفت در سه قسمت دیگر کردستان نیز حزب تأسیس کند. خواسته اصلی این حزب، ایجاد یک نوع خودمدیریتی دموکراتیک در اقلیمی

خودمختار برای کردستان سوریه است. گفته شده است که کنترل بر مناطق کردنشین در حال حاضر حاصل توافق این حزب با دولت و ارتش سوریه بوده است؛ بنابراین حزب مذکور در جهت‌گیری‌های خود طرفدار باقی ماندن اسد و مخالف جدی ارتش آزاد و گروه‌های مخالف ضد دولت است. از جمله رهبران این حزب می‌توان به عیسی حسو، رضا ولات، فؤاد عمر، نوری محمود و عبدالسلام مصطفی اشاره کرد (Tanir & et al, 2013).

۲-۲-۴. حزب جنبش جامعه دموکراتیک کردهای سوریه (۲۰۰۵)

دبیرکل این حزب *آلدار خلیل* است که خود را عضو مجلس خلق کردستان نیز می‌نامد. این جنبش وابسته به حزب کارگران کردستان سوریه و از زیرمجموعه‌های حزب اتحاد دموکراتیک است. این گروه، مخالف نزدیکی گروه‌های کرد سوری به اپوزیسیون است. تفاوت اصلی این حزب با سایر احزاب که در جبهه بارزانی و طالبانی هستند، همین مخالفت آنها با سقوط بشار اسد است که باعث ایجاد شکاف میان این حزب و سایر احزاب غیرهم‌سو با آن شده است.^(۹)

۳-۲-۴. حزب دموکرات کردی (۲۰۰۷)

حزب دموکرات کردی یکی از انشعاب‌های حزب دموکرات سوریه است که دبیرکلی آن را *جمال ملا محمود* برعهده دارد. این حزب اعتقاد به اصلاحات دارد و نزدیک به دولت بشار اسد است. آنها مخالف اقدامات ارتش آزاد سوریه و اقدامات نظامی گروه مذکور در شمال سوریه هستند و در کنفرانس تهران که درباره حل بحران سوریه برگزار شد، شرکت کردند (پشنگ، ۱۳۹۱).

۳-۴. احزاب میانه‌رو

۱-۳-۴. حزب الشباب الوطنیه (۲۰۱۲)

حزب الشباب الوطنیه، حزبی فراکردی با حضور اعراب و مسیحیان سوری، اما با اکثریت کُرد است که پروین /براهیم یکی از رهبران آن بوده و مقر آن در شهر قامیشلو واقع شده است. این حزب خواهان ایجاد تغییراتی در سوریه و احقاق حقوق اقلیت‌ها نسبت به

گذشته است. آنها به دنبال یک ساختار دموکراتیک مبتنی بر حقوق بشر و برابری هستند و چندان به این مسئله که چه کسی بر سر کار باشد، توجهی ندارند (پشنگ، ۱۳۹۱).

۲-۳-۴. جنبش ابتکار ملی کرد سوریه (۲۰۰۹)

این جنبش نیز از کنار هم قرار گرفتن چندین حزب کوچک کرد سوریه در مه ۲۰۰۹ ایجاد شده و خواهان اصلاحات مسالمت‌آمیز در چارچوب مرزهای سیاسی سوریه است.

۵. عامل ساختار: کردها و نیروهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

پیش از ورود بحران‌های اخیر خاورمیانه به سوریه، مسئله کردستان سوریه به صورت یک بحران قومی شناخته می‌شد. با وجود اینکه این بحران در ابتدا در چارچوب مرزهای سوریه و بین دو کنشگر اصلی بود، ولی به سرعت و با نفوذ بحران‌های اخیر خاورمیانه به سوریه، ابعادی بین‌المللی پیدا کرد. کنشگران خارجی که شامل کشورهای همسایه و قدرت‌های بزرگ می‌شوند، هر کدام به سهم خویش بر هویت‌خواهی و خودمختاری کردهای سوریه تأثیر گذاشته‌اند. در ادامه به بررسی دقیق‌تر مواضع و اقدامات هریک از این کنشگران پرداخته می‌شود.

۵-۱. نیروهای منطقه‌ای

۵-۱-۱. ترکیه و کردها

یکی از بازیگران منطقه‌ای مؤثر در بحران سوریه، کشور ترکیه است. از زمان به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، سیاست خارجی این کشور متأثر از دیدگاه‌های دو شخصیت اصلی این حزب، یعنی رجب طیب اردوغان و احمد داوود اوغلو می‌باشد (Taspinar, 2012: 128). حزب عدالت و توسعه، ضمن پیگیری گسترش مناسبات با اتحادیه اروپا و آمریکا در صدد ایفای نقش فعال‌تر در خاورمیانه و جهان اسلام است (مسعودنیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۶). باین حال از زمان شروع بحران در سوریه فراز و فرودهای بسیاری در رفتار دولت ترکیه مشاهده شده است. به همین دلیل این مواضع در سه بخش جداگانه بررسی می‌شود.

الف) آغاز بحران سوریه تا محاصره کوبانی. به دنبال بروز ناآرامی‌ها در سوریه، بدیهی بود که ترکیه نتواند نسبت به تحولات همسایه خود بی‌توجه باشد، زیرا از یک سو این تحولات با دکترین عثمانی‌گرایی جدید رهبران حزب عدالت و توسعه در تعارض بود و از سوی دیگر، تحولات سوریه می‌توانست چالش‌هایی در برابر منافع ملی ترکیه از نظر اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایجاد کند. توضیح اینکه یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی منطقه‌ای ترکیه در چارچوب دکترین عثمانی‌گرایی جدید، به حداقل رساندن مشکلات در روابط با همسایگان به منظور گسترش مناسبات، به ویژه در حوزه اقتصادی و عهده‌دار شدن نقش بازیگر تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای بود. لذا ناآرامی‌های سوریه نه تنها در تعارض با سیاست خارجی ترکیه قرار گرفت، بلکه با هویت‌خواهی کردها، امنیت ملی آنکارا را مورد تهدید قرار داد. موضع‌گیری اولیه دولت ترکیه در قبال تحولات سوریه در راستای میانجی‌گری در مسائل منطقه‌ای به منظور ایفای نقش بازیگری در چارچوب دکترین عثمانی‌گرایی جدید بود که حمایت از انجام اصلاحات در سوریه و توصیه به فشار اسد برای انجام اصلاحات سیاسی در این کشور را شامل می‌شد (Mahfudh, 2012: 29-28).

با گسترش بحران در سوریه، روابط دو کشور رو به تیرگی گذاشت. در نوامبر ۲۰۱۱ ترکیه با چرخش کامل در سیاست‌های خود از اسد خواست تا قدرت را رها کند و علاوه بر این، با قرار گرفتن در موضع تهاجمی و فعال، چندین نشست مخالفان سوری را میزبانی و در آوریل ۲۰۱۲ نیز دومین اجلاس دوستان ملت سوریه را در استانبول برگزار کرد تا به یک بازیگر کلیدی حامی مخالفان سوریه تبدیل شود. ترکیه در راستای سیاست جدید خود نه تنها به مخالفان دولت سوریه اماکن عبور از خاک خود و اجازه حمل سلاح به درون خاک سوریه را داد، بلکه خودش نیز تا مرحله درگیری نظامی با دولت دمشق پیش رفت. این سیاست ترکیه نسبت به سوریه تا زمان ورود نیروهای گروه دولت اسلامی به منطقه کردنشین در شمال سوریه و محاصره کوبانی ادامه داشت، اما از این تاریخ به بعد سیاست ترکیه نسبت به تحولات سیاسی سوریه شکل دیگری به خود گرفت.

ب) از محاصره کوبانی تا شکست داعش در کوبانی. بزنگاه کوبانی روند بحران سوریه را کاملاً تغییر داد، زیرا کردهایی که در شمال سوریه به حفاظت از مناطق کردنشین

تحت تسلط خود می‌پرداختند، به صورت فعال وارد جنگ داخلی سوریه شدند. این امر سیاست خارجی ترکیه در قبال سوریه را با مشکل روبرو کرد و بر سر دو راهی امنیت یا عدالت قرار داد. در ادامه درگیری میان یگان‌های مدافع خلق^(۱۰) و نیروهای گروه دولت اسلامی (داعش) و نیز با تنگ‌تر شدن محاصره کوبانی ترازوی امنیت یا عدالت در سیاست خارجی ترکیه نسبت به مسئله کوبانی به نفع امنیت سنگین‌تر شد و آنکارا نه تنها در قضیه کوبانی هیچ موضعی مبنی بر محکوم کردن داعش و یا کمک به نیروهای کرد از خود نشان نداد، بلکه رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در یک کنفرانس خبری تأکید کرد که کوبانی قطعاً سقوط خواهد کرد (شبکه العربیه، ۲۰۱۴). درحقیقت دولت ترکیه حضور نیروهای کرد ترکیه، عراق و ایران در سوریه را به منزله آغاز تشکیل دولت خودمختار جدیدی در جنوب ترکیه تلقی کرد که می‌تواند تمامیت ارضی آن را با خطر مواجه سازد و به همین دلیل به مقابله با هویت‌خواهی کردها برخاست و توافق خود با احزاب کرد داخل کشورش را نیز شکست. اما این اقدامات نتوانست جلوی پیروزی کردها بر داعش را بگیرد.

ج) پایان محاصره کوبانی تا ورود جنگنده‌های ترکیه به جنگ علیه کردها.

پس از مقاومت یگان‌های مدافع خلق در کوبانی به تدریج این شهر از محاصره خارج شد و نیروهای داعش کاملاً از مرزهای کانتون کوبانی عقب‌نشینی کردند. به این ترتیب پیش‌بینی‌های اردوغان مبنی بر سقوط کوبانی نه تنها واقعیت پیدا نکرد، بلکه یگان‌های مدافع خلق هر روز مناطق بیشتری را از دست نیروهای داعش خارج کردند. با ادامه درگیری‌ها میان یگان‌های مدافع خلق و نیروهای گروه دولت اسلامی (داعش) و آزاد شدن مناطق تحت اشغال داعش در میان دو کانتون کوبانی و عفرین و ایجاد ارتباط میان این دو کانتون، مناطق کردنشین شمال سوریه پیوستگی بیشتری یافتند. این امر برای ترکیه امری ناخوشایند بود؛ به همین دلیل ترکیه از یک سو با در اختیار قرار دادن پایگاه انجریک به آمریکا عملاً وارد ائتلاف جنگ علیه داعش شد و از سوی دیگر، با جنگنده‌های خود مواضع گروه‌های کرد را هدف قرار داد. هدف از این عملیات نظامی جلوگیری از پیوستگی هرچه بیشتر کانتون‌های کردنشین شمال سوریه و ایجاد منطقه امن در شمال سوریه است.

به‌طور کلی ترکیه هرگونه استقلال‌طلبی کردها در سوریه را رد کرده و خطر خودمختاری آنها را بیشتر و جدی‌تر از خطر داعش می‌داند؛ به همین دلیل آتش‌بس خود با کردهای داخل را نیز شکسته و روند سرکوب کردها در شمال سوریه را ادامه می‌دهد.

۲-۱-۵. ایران و کردها

از نظر ایران بحران سوریه یک بحران ساختگی برای سرنگونی بشار اسد و از هم گسستن حلقه مقاومت در منطقه است. به همین دلیل از زمان بروز ناآرامی‌ها در سوریه ایران در کنار بشار اسد ایستاد و با هرگونه مداخله نظامی خارجی در این کشور مخالفت کرد. به عقیده سیاست‌مداران ایرانی، همکاری و حمایت از حکومت بشار اسد از مهم‌ترین عوامل پیشبرد رویکردهای سیاسی و امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه خاورمیانه است و از دست رفتن سوریه می‌تواند آینده خاورمیانه را تغییر دهد. برای جلوگیری از این امر و پایان دادن به خشونت‌ها ایران در چندین نوبت علاوه‌بر میزبانی مخالفان میانه‌رو بشار اسد و رایزنی با مقامات سایر کشورها به ارائه طرح‌هایی برای صلح اقدام کرده است (Hunter, 2010: 208-209). از آنجاکه حفظ تمامیت ارضی سوریه جزء اهداف استراتژیک ایران محسوب می‌شود، ایران هرگونه خودمختاری و تجزیه‌طلبی در خاک این کشور را نفی کرده است. اما این به‌معنای سرکوب کردها همانند ترکیه نیست. برعکس ایران پیوسته اقدامات داعش در سوریه به‌ویژه در کوبانی را محکوم کرده و خواستار پیگیری حقوق کردها در دولت آینده سوریه از راه مسالمت‌آمیز و اصلاحات است.

۳-۱-۵. عراق و کردها

موضع عراق نسبت به کردستان سوریه را می‌توان در قالب دو موضع متفاوت، یکی موضع حکومت مرکزی و دیگری موضع اقلیم کردستان عراق تقسیم‌بندی کرد. با توجه به اوضاع کنونی، از یک‌سو عراق با خطر گروه دولت اسلامی و سودای خلافتش و از سوی دیگر اعلام استقلال کردستان عراق روبرو است. همین امر باعث شده است تا موضع حکومت مرکزی عراق نسبت به تحولات سوریه به‌طور کلی و تحولات شمال سوریه به‌طور جزئی مبتنی بر حمایت از یکپارچگی سوریه باشد، زیرا شباهت مسائل و مشکلات موجود در دو کشور در چند ماه اخیر این موضوع را ثابت می‌کند که هرگونه رویدادی در سوریه، اعم از

تشکیل اقلیم خودمختار کردستان سوریه و یا به قدرت رسیدن داعش به طور مستقیم امنیت ملی این کشور را نیز نشانه می‌گیرد. با تشکیل اقلیم خودمختار کردستان سوریه، حکومت مرکزی عراق در مقابل کردهای کشور خودش در موضع ضعف قرار خواهد گرفت و خطر اعلام استقلال اقلیم خودمختار کردستان عراق را بیش از پیش می‌کند و نیز در صورت قدرت گرفتن داعش در سوریه، عراق نیز در گرداب این ناامنی فرو خواهد رفت. لذا با توجه به مسائل پیش‌روی عراق باید گفت حکومت مرکزی عراق با تشکیل اقلیم کردستان سوریه موافق نخواهد بود. اما در مورد موضع اقلیم خودمختار کردستان عراق در قبال سوریه و کردستان سوریه باید گفت، اقلیم کردستان عراق در مورد حکومت مرکزی سوریه خواهان سقوط بشار اسد است، اما در مورد اوضاع کردستان سوریه هرچند پارلمان کردستان عراق طرح به رسمیت شناخته شدن کانتون‌های کردستان سوریه از سوی اقلیم کردستان عراق را تصویب کرد، اما فعلاً ریاست اقلیم کردستان عراق به‌طور رسمی این امر را اعلام نکرده است. این امر ناشی از اختلافات احزاب کردستان عراق با حزب اتحادیه دموکراتیک بر سر تقسیم قدرت میان احزاب دیگر کردستان سوریه است. به‌طور کلی پیش‌بینی می‌شود که با توجه به اوضاع کنونی منطقه، اقلیم کردستان عراق به دلیل ملاحظات منطقه‌ای با ترکیه در کوتاه‌مدت این امر را نپذیرد، اما در درازمدت کانتون‌های خودمختار کردستان سوریه را به رسمیت بشناسد.

۵-۲. نیروهای فرامنطقه‌ای

۵-۲-۱. آمریکا

مهم‌ترین زوایای سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه به‌طور کلی و سوریه به‌طور جزئی را می‌توان در امنیت رژیم صهیونیستی، کاهش نفوذ منطقه‌ای ایران، تثبیت هژمونی خود، گسترش فرهنگ آمریکایی در پوشش ایجاد دموکراسی و تضعیف جبهه مخالفان واشنگتن در منطقه خلاصه کرد (باقری، ۱۳۹۲: ۵۹). ایالات متحده کشوری است که سیاست خارجی‌اش را نسبت به تحولات موجود در خاورمیانه نسبت به تغییرات ایجادشده همواره مورد بازبینی قرار می‌دهد. رویکرد آمریکا در مورد شکل‌گیری حکومت اقلیم

کردستان سوریه، رویکردی دوگانه است. از سویی آمریکا منافع ترکیه را در نظر دارد (ترکیه عضو ناتو و هم‌پیمان آمریکا در منطقه است) و از سوی دیگر، از دید سران آمریکا موضوع کردها فراتر کیه‌ای است. با این وجود آمریکایی‌ها در مورد مسئله کردها همواره دعوت به گفتگو و رعایت حقوق شهروندی کرده‌اند و به‌طور کلی خواهان حفظ یکپارچگی سوریه می‌باشند؛ به‌گونه‌ای که در تحولات اخیر مناطق کردنشین و اعلام خودمختاری کردستان سوریه از سوی حزب اتحادیه دموکراتیک، ایالات متحده درباره این اقدام ابراز نگرانی و موضع خود مبنی بر دفاع از سوریه یکپارچه را تکرار کرد. جین ساکی، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در این باره گفت: «آمریکا همواره حامی یک سوریه یکپارچه بوده و به همین دلیل اقدام حزب اتحاد دموکراتیک برای ایجاد خودگردانی کرد مورد تأیید ما نبوده و نگرانی ایجاد می‌کند. این اقدام بر معادلات منطقه تأثیر منفی می‌گذارد» (ساکی، ۱۳۹۲).

به‌طور کلی می‌توان موضع آمریکا در قبال تحولات کردستان سوریه را این‌گونه بیان کرد که آمریکا در قالب استراتژی امنیت ملی‌اش از روند دموکراتیک شدن سوریه و احقاق حقوق کردها حمایت می‌کند، اما به‌دنبال مدیریت آرام و تدریجی مسئله است؛ به‌گونه‌ای که نمی‌خواهد با تأیید خودمختاری کردها، اهل تسنن را نیز تحریک به تجزیه سوریه کند.

۲-۲-۵. روسیه

در بررسی مواضع روسیه نسبت به بحران سوریه به‌طور کلی و شمال سوریه به‌طور جزئی باید نگاه استراتژیک روسیه را در نظر داشت. روسیه با هرگونه تغییری در نظم ژئوپلیتیک منطقه که موازنه قدرت را به سود آمریکا برهم زند، مخالف است. به همین دلیل نیز از طرح حمله نظامی غرب به سرکردگی آمریکا به سوریه به بهانه استفاده بشار اسد از سلاح شیمیایی در جنگ داخلی جلوگیری کرد. به‌طور کلی تحولات منطقه خاورمیانه به‌ویژه کشور سوریه از چند جهت برای روسیه دارای اهمیت است که مهم‌ترین آنها عبارتند از: تهدید منافع اقتصادی و تجاری روسیه؛ ایجاد و تشدید مشکلات سیاسی با کشورهای منطقه به‌ویژه عربستان سعودی؛ پایگاه نظامی دریایی روسیه در سواحل غرب سوریه در بندر طرطوس که اصلی‌ترین مقر نظامی این کشور در دریای مدیترانه است؛ نزدیکی این منطقه به خارج نزدیک روسیه؛ فراهم شدن زمینه برای دخالت کشورهای غربی (گودرزی، ۱۳۹۱: ۲). با توجه به موارد مطرح‌شده (و تا

زمان چاپ این مقاله)، روسیه در تحولات سوریه سعی کرده است تا با استفاده از حق وتوی خود بیشتر نقش مهارکننده را داشته باشد تا مداخله‌گر. این نقش نیز تاکنون مؤثر بوده و توانسته است غرب را از گزینه کنار گذاشتن بشار اسد از قدرت منصرف کند. در مجموع، روسیه چندان تمایلی به پذیرش اقلیم کردستان سوریه ندارد و مدافع حفظ تمامیت ارضی سوریه است، اما اگر روزی قرار باشد به اجبار این خودمختاری را بپذیرد، تلاش خواهد کرد از کردهای سوریه برای تحت فشار گذاشتن آنکارا استفاده کند.

۳-۲-۵. اتحادیه اروپا

اتحادیه اروپا در جمع بازیگران بین‌المللی، ابزارها و توانایی‌های لازم برای مدیریت بحران سوریه، از جمله توان سخت‌افزاری و نظامی قوی، را ندارد. از آنجاکه اتحادیه اروپا از تغییرات ناگهانی در منطقه حساس خاورمیانه و تغییر کلی معادلات ناخشنود است، سعی می‌کند از طریق ابزارهای اقتصادی، تغییرات را از سطح اقتصادی شروع کرده و کم‌کم نتایج این تغییرات را در سطوح دیگر وارد کند. به همین دلیل به جای مشارکت مستقیم در ابتدا ترجیح داد با حمایت مالی از مخالفان بشار اسد، روند جابجایی قدرت در سوریه را پیش برد. برگزاری کنفرانس‌های ژنو یک و دو و حمایت‌های نظامی برخی از اعضای این اتحادیه از مخالفان بشار اسد، بخشی از نقش‌آفرینی اتحادیه اروپا در بحران سوریه بوده است. اما در مورد مواضع اتحادیه اروپا درباره مسئله کردستان سوریه، باید گفت که سیاست خارجی و متغیرهای اتحادیه اروپا در مورد شکل‌گیری اقلیم کردستان سوریه به گونه‌ای است که تصور می‌شود اتحادیه اروپا با آن مخالف نباشد، زیرا نخست تأکید اروپایی‌ها بر مسائل حقوق بشر و حقوق قومی است و دوم اینکه جمعیت زیادی از کردها در اروپا زندگی می‌کنند. تشکیل دولت کردستان بزرگ می‌تواند زمینه بازگشت این مهاجران به خاورمیانه را فراهم سازد.

نتیجه‌گیری

بررسی مواضع احزاب کرد سوریه گویای این نکته است که این گروه‌ها از آرمان خودمختاری در این منطقه حمایت می‌کنند و در مورد دستیابی به این آرمان، هیچ تضادی با یکدیگر ندارند. آنچه موجب انشقاق در مواضع آنها نسبت به تحولات سوریه و به‌ویژه

حمایت از بشار اسد شده است، ابهام نسبت به آینده و چگونگی تحقق رؤیای خود است. بخشی از احزاب کرد با این تحلیل که غرب قادر به تغییر نظام سیاسی در سوریه نیست و بشار اسد همچنان رئیس‌جمهور خواهد ماند، می‌کوشند از هرگونه رویارویی با دولت بپرهیزند تا در آینده علاوه بر مصون ماندن از خشم دولت، بتوانند حداقل امتیازهای ممکن را به دست آورند. از دیدگاه این دسته از احزاب، تحقق رؤیای خودمختاری کردستان سوریه مستلزم حمایت جامعه جهانی و کشورهای منطقه است و چنین حمایتی در حال حاضر مشاهده نمی‌شود؛ لذا بهتر است تحقق این رؤیا به زمانی در آینده موکول شود. اما جریان مقابل معتقد است دولت بشار اسد هیچ اقدامی در راستای احقاق حقوق کردها انجام نداده است و فرصت کنونی، یگانه فرصت ممکن برای رهایی از چنین دولتی است. در صورتی که کردها در روند مبارزه با دولت نقشی ایفا نکنند، نمی‌توانند انتظار حمایت و سهمی در آینده را داشته باشند. رویارویی آنها با دولت دست‌کم می‌تواند فرصت دستیابی به اقلیمی خودمختار مشابه عراق را فراهم کند. طبق این تحلیل اگر کردها بتوانند سرنوشت مناطق کردنشین را در اختیار بگیرند، غرب و جامعه جهانی چاره‌ای جز پذیرش شرایط آنها ندارد و در بلندمدت وضعیت آنها را مورد تأیید قرار خواهد داد. با توجه به مجموع شرایطی که در سوریه و منطقه در جریان است، می‌توان گفت ظهور داعش در سوریه ابهام نسبت به آینده کردها در این کشور را بیشتر کرده است. انفعال غرب در برابر تسلط اولیه داعش بر شهر کوبانی نشان داد انتظار حمایت جامعه جهانی از رؤیای خودمختاری کردها در حال حاضر انتظاری خوش‌بینانه است. علاوه بر این، آنچه شرایط را دشوارتر می‌کند، انشقاقی است که در میان رهبران کرد نسبت به آینده و حتی رهبری چنین دولتی وجود دارد.

یادداشت‌ها

۱. این مذهب ترکیبی از عناصر کفرآمیز و سایر دین‌ها از جمله یزدانیسم و زرتشتی است و همچنین اصول و عقاید یهودی، مسیحی و اسلام در آن یافت می‌شود. کردهای یزیدی، کرمانجی صحبت می‌کنند و در مناطقی از سوریه، ارمنستان و منطقه ماردین - میدیات ترکیه حضور دارند.
2. International Crisis Group Middle East Report, 2013
3. Report: Kurds in Syria, 2010.
4. Center for Middle Eastern strategic studies, 2012: 127.
۵. همان.
۶. مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۲۰۱۲: ۱۲۹.
۷. مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۲۰۱۲: ۱۲۸.
۸. مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۲۰۱۲: ۱۲۹.
۹. مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه، ۲۰۱۲: ۱۲۸.
۱۰. شاخه نظامی حزب اتحادیه دموکراتیک.

منابع

الف) فارسی

- باقری دولت‌آبادی، علی، خلقی، جمشید و عبدالرضا فتحی مظفری (۱۳۹۲)، «تحولات سیاسی سوریه؛ مبانی، روند و پیچیدگی‌ها»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال اول، شماره ۲، صص ۷۴-۳۱.
- پشنگ، اردشیر (۱۳۹۲/۷/۵)، جریان‌شناسی ۲۰ حزب کرد سوریه، در: <http://ardeshir58.persianblog.ir>
- ساک، جین (۱۳۹۲)، تحولات جدید در شمال سوریه، در: <http://www.araznews.org>
- شبکه العربیه (۸ اکتبر ۲۰۱۴)، کنفرانس ژنو ۲.
- قهرمان‌پور، رحمان (۱۳۸۳)، «تکوین‌گرایی: از سیاست بین‌الملل تا سیاست خارجی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره ۲۴، صص ۳۱۸-۲۹۹.
- کریمی، جهانگیر (۱۳۸۳)، «سیاست خارجی از منظر تکوین‌گرایی اجتماعی»، مجله راهبرد، شماره ۳۱، صص ۱۷۴-۱۶۱.
- گلی، عمار (۱۳۹۲/۷/۶)، «گذشته، حال و آینده کردهای سوریه»، پایگاه خبری-تحلیلی روز.

- گودرزی، مهناز (۱۳۹۱)، **روسیه و تحولات سوریه**، تهران: پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- رادی، نوری‌علا (۱۳۹۲)، «کردستان سوریه جنبش و تنش»، **راديو زمانه**.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، «گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی**، شماره ۶۳، صص ۲۰۱-۱۶۹.
- نیاکویی، سید امیر و حسین بهمنش (۱۳۹۱)، «بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال ۴، شماره ۴، صص ۱۳۵-۹۷.
- واعظی، محمود (۱۳۹۲)، «الگوی رفتار آمریکا با کشورهای عربی»، **فصلنامه روابط خارجی**، سال ۵، شماره اول، صص ۷۲-۳۵.
- هادیان، ناصر (۱۳۸۲) «سازه‌انگاری: از روابط بین‌الملل تا سیاست خارجی»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال هفدهم، شماره ۴.

ب) انگلیسی

- Allsoop, Harriet (2010), **Syrian Kurdish Political Parties and Identity in the Middle East**, University of London.
- Al-Jazeera Centre for Studies (2013).
- Hentov, Elliot (May, 10, 2011), "**Iran Unwanted Revolution**", Available at: <http://mideast.Foreignpolicy.Com/posts/2011/05/10/iran-unwanted-Revolution>.
- Hevian, Rodi (2013), "THE Main Kurdish Political Parties in Iran, Iraq, Syria, and Turkey: A Research Guide", **Middle East Review of International Affairs**, Vol. 17, No. 2.
- Hunter, Shireen (2010), "Iran's Foreign Policy in The Post-Soviet Era: Resisting The New International Order", **Green Wood Publications**, No.1.
- Hopf, Ted (1998), "The Promise of Construction in International Relation's Theory", **International Security** 23 (1).
- Human Rights Watch** (October 1996), Syria: The Silenced Kurds (HRW).
- International Crisis Group (22 January 2013), **Syria's Kurds: A Struggle Within a Struggle**, available at: www.crisisgroup.org.
- Cherif Vanly, Ismet (1992), **The Kurds: A Contemporary Overview**, Oxford: Rutledge.
- Mansour, Renad (September 19, 2010), **Reports, the Role of Iraqi Kurdistan in the Syrian Kurds Pursuit of Autonomy**, available at:

www.yumpu.com.

Martin, Shubik (1964), **Games for Society, Business and War: Towards a Theory of Gaming**, New York: Wiley.

McDowall, David (2000), **A Modern History of the Kurds**, London: I.B.Tauris.

Mahfudh, Aqeel (2012), "Syria and Turkey :a Turning Point or a Historical Bet?", **Arab Center for Research and Policy Studies**.

ORSAM Report (2012 August), **Kurdish Movments in Syria**, Center for Middle Eastern Strategic Studies.

Reggie, J. G (1998), **Constructing the World Polity: Essays on International Institutionalization**, London and New York: Rutledge.

Report: Kurds in Syria: Groups at Risk and and Reactions Against Political Activists, (June 16, 2010), Oslo: Landinfo.

Erkmen, Serhat (2012), "Kurdish Movements in Syria", **Orsam Report**, No. 127, Center for Middle Eastern Strategic Studies Orsam, Ankara, Turkey.

Tejel, jordi (2009), **Syrian Kurds History Politics & Society**, London: Rutledge.

Tanir, Ilhan, Wladimir van Wilgenburg & Omar Hossino (2013), "Unity or PYD Power Play?: Syrian Kurdish Dynamics After the Erbil Agreement", **The Henri Jackson Society**.

Taspinar, omer (2012), "Turkey's Strategic Vision and Syria", **The Washington Quarterly**, Center for Strategic and International Studies, pp. 127-140.

Wendt, Alexander. E (1992), "Anarchy is What States Make it: The Social Construction of Power Politics", **International Organization**, 46, 2.

Yldiz, Karim (2005), **The Kurds in Syria, the Forgotten People**, London: Rutledge.

پرتال جامع علوم انسانی